

سخنی با 57 مخالف نوری

محمد داوری

بالاخره یوسف نوری سومین گزینه پیشنهادی رییس دولت سیزدهم برای وزارت آموزش و پرورش از مجلس رای اعتماد گرفت و کابینه ریسی تکمیل شد. رای به نوری قابل پیشبینی بود اما اینکه چه تعداد و چه کسانی با او مخالفت می‌کنند، مهم‌تر از این بود که چند نفر به او رای می‌دهند، چراکه با توجه به اینکه فضای غالب در مجلس از همان روزهای نخست حکایت از حمایت اکثریت با وی داشت، مخالفت‌ها برای فعالان حوزه آموزش و پرورش اهمیت بیشتری داشته و در راستای نقش نظارتی و مطالبه‌گری می‌تواند قابل توجه باشد. در حالی که 194 نماینده به نوری رای مثبت دادند، 57 نفر هم رای مخالف و 17 نفر هم رای ممتنع دادند که به نظر می‌رسد برای رای این 57 نفر باید حساب ویژه‌ای باز کرد و این دسته از نمایندگان را تا حد زیادی می‌شود به نسبت نمایندگان مستقل از طیف‌های مجلس دانست و فرهنگیان می‌توانند به پشتوانه این دسته از نمایندگان همچنان پیگیر مطالبات خود و خواستار نقش نظارتی و مطالبه‌گرانه نمایندگان از دولت و شخص وزیر باشند. متأسفانه یکی از دلایل استمرار ناکارآمدی نظام آموزشی ما انفعال و بی‌تفاوتی یا دخالت‌های مخرب نمایندگان در امور وزارت آموزش و پرورش بوده است و نمایندگان در بیشتر ادوار مجلس نقش موثر و سازنده‌ای در راستای کمک به دستگاه آموزش و پرورش نداشتند و کمتر طرح راهگشایی در مجلس برای این حوزه به تصویب رسیده است و کمتر شاهد نظارت جدی نمایندگان در این حوزه بوده‌ایم. لذا این نگرانی وجود داشت که نمایندگان کمتری وجود داشته باشند تا امیدی به نقش‌آفرینی‌های آنها در این راستا بود ولی حالا با احتساب مخالفان و نمایندگان ممتنع و حدود یک‌سوم مجلس امید است این نقش را ایفا کنند، لذا سخن من با این دسته از نمایندگان این است که بدانند فرهنگیان متوجه اهمیت و جایگاه آنها بوده و انتظار دارند همچنان مستقل از لابی‌های جریان‌ی در مجلس صدای مطالبه‌گرانه برای تحقق نظام آموزشی کارآمد باشند. نظامی که بیش از هر چیزی دنبال تحقق حقوق دانش‌آموزان و برخورداری از آموزش عادلانه و باکیفیت بوده و عناصر مختلف این نظام را در این مسیر قرار دهند و اجازه ندهند بیش از این کودکان و نوجوانان قربانی فرسودگی‌ها و ناکارآمدی‌ها شوند. 57 نماینده مخالف نوری نشان دادند که برای

آموزش و پرورش اهمیت و جایگاه و ارزش بیشتری قائل هستند و به این راحتی نمی‌توانند رضایت بدهند تا سرنوشت این دستگاه با ابهام و تردید مواجه شود، چراکه سرنوشت 15 میلیون کودک و نوجوان یعنی سرنوشت فردای ایران و بی‌توجهی به آن یعنی بی‌مسئولیتی نسبت به آینده‌ای که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده آن نیروی انسانی است که باید امور جامعه را برعهده بگیرند. منبع: روزنامه اعتماد 8 آذر 1400
خورشیدی